

۱- تنوین کلمه «آدم» و سکونِ قافیه به دلیل ضرورتِ شعری است.

۱- تنوین کلمه «آدم» و سکونِ قافیه به دلیل ضرورتِ شعری است.

۲- و ارزش هر انسانی به کاری است که آن را خوب انجام می‌دهد و انسان‌ها با کارهایشان نام‌هایی دارند.
(انسان‌ها با کارهایشان شناخته شده و با آن نامیده می‌شوند.)

۳- پس دانش را به دست بیاور و برایش جایگزینی نخواه که مردم، مُرده و اهل دانش زنده‌اند.

۱- النَّعْثُ: رَسَاخِيز

۲- اَلْبُنْيَانُ اَلْمَرْصُوعُ: سَاخْتِمَانِ اسْتَوَار

۳- اَلْعَصَاةُ: اَبْمِيُوهُ كِيرِي

۱- اَلْبَغْثُ: رستاخیز

۳- اَلْبُنْيَانُ الْمَرْصُوعُ: ساختمان استوار



۲- يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا: صف در صف در راه او می جنگند.

۴- اَلْعَصَاةُ: آبمیوه گیری

این پاورقی در چاپ ۱۴۰۲ وجود نداشته است.

- ۱- إنا لا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا: بی‌گمان ما پاداش کسی را که نیکوکاری کرده است، تباه نمی‌کنیم.
- ۲- كَانَ وَالِدُهُ قَدْ أَقَامَ مَصْنَعًا: پدرش کارخانه‌ای را ساخته بود.
- ۳- عَمِلَ عَلَى تَطْوِيرِهَا مُجِدًّا: تلاشگرانه برای بهینه‌سازی‌اش کار کرد.
- ۴- وَاصَلَ عَمَلَهُ دَوُوبًا: کارش را با پشتکار ادامه داد.

این پاورقی در چاپ ۱۴۰۲ وجود نداشته است.

- ۱- قَامَ الْفَرْدُ بِإِنْشَاءِ عَشْرَاتِ الْمَصَانِعِ وَ الْمَعَامِلِ: آفرد به ساختن ده‌ها کارخانه و کارگاه اقدام کرد.
- ۲- وَإِنْ كَانَ غَرَضُهُ مِنَ اخْتِرَاعِهِ مُسَاعَدَةَ الْإِنْسَانِ: گرچه هدف او از اختراعش کمک به انسان بود.

این پاورقی در چاپ ۱۴۰۲ وجود نداشته است.

۱- هَلْ تُعْطَى الْجَوَائِزُ الْيَوْمَ لِمَنْ هُوَ أَهْلٌ لِّذَلِكَ؟! آیا امروزه این جایزه‌ها به کسی که شایسته‌اش است اهدا می‌شود؟!!

۱- ختن آراءه : تا او را بینم (اری + ه).

۱- قَبْلَهُ الْأَبُ وَ أَجْلَسَهُ عِنْدَهُ: پدر، او را بوسید و وی را نزد خودش نشانید.

۲- لَمْ يَقْبَلْهَا وَ لَمْ يُجْلِسْهَا عِنْدَهُ: او را نبوسید و نزد خودش ننشانید.

۳- حَتَّى أَرَاهُ: تا او را ببینم (أَرَى + هُ).

۴- يَا رَبَّنَا أَتَقِ لَنَا مُحَمَّدًا حَتَّى أَرَاهُ يَافِعًا وَ أَمْرَدًا: پروردگارا، محمد را برایمان نگه دار تا او را در نوجوانی و بُرنایی ببینیم.

۱- دیگران کاشتند و ما خوردیم
ما بکاریم و دیگران بخورند

۱- وَقَعَتِ الشُّيَمَاءُ أُسِيرَةً بِيَدِ الْمُسْلِمِينَ: شیما به دست مسلمانان اسیر شد.

۲- لَمْ يُصَدِّقُوا قَوْلَهَا فَأَخَذُوهَا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ: سخنش را باور نکردند پس او را نزد فرستاده خدا ﷺ بردند.

۳- دگران کاشتند و ما خوردیم
ما بکاریم و دیگران بخورند

این پاورقی در چاپ ۱۴۰۲ وجود نداشته است.

۱- أَمَرَ أَنْ يُعْطَى الْفَلَّاحُ أَلْفَ دِينَارٍ: دستور داد که هزار دینار به کشاورز داده شود.

۲- فَأَعْجَبَ أَنْوَشِرَوَانَ كَلَامُهُ: سخن او انوشیروان را به شگفتی آورد. (انوشیروان از سخن او خوشش آمد.)

۳- مَا مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ عَرْسًا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنْ ثَمَرِ ذَلِكَ الْغَرْسِ: هیچ‌کسی نیست که نهالی را بکارد،

مگر اینکه خدا به اندازه آنچه از میوه آن نهال بیرون بیاید، (به اندازه میوه‌ای که آن نهال بار بدهد) برایش پاداش بنویسد.

این پاورقی در چاپ ۱۴۰۲ وجود نداشته است.

۱- أَيْ خَلَّيْ فِي نِظَامِهَا يُؤَدِّي إِلَى تَخْرِيبِهَا: هرگونه آسیبی در ساختارش به ویران سازی اش می انجامد.

۲- يَتِمُّ التَّوَازُنُ: تعادل انجام می شود. (برقرار می شود)

این پاورقی در چاپ ۱۴۰۲ وجود نداشته است.

۱- وَالْآنَ لِنَقْرَأْ هَذِهِ الْقِصَّةَ قِرَاءَةً دَقِيقَةً: وَ أَكُنُونَ اَيْنَ دَاسْتَانِ رَا بَايِدْ بَا دَقَّتْ بِخَوَانِيْم.

این پاورقی در چاپ ۱۴۰۲ وجود نداشته است.

۱- تَتَعَرَّضُ لِلْأَكْلِ وَ التَّلَفِ: دستخوش خورده شدن و نابودی می‌شوند.

۲- أَخَذَ الْمُزَارِعُ يُفَكِّرُ: «لِمَاذَا ازْدَادَ عَدَدُ فِئْرَانِ الْحَقْلِ ازْدِياداً كَبِيراً»؟! : کشاورز اندیشیدن آغاز کرد: «چرا شمارِ موش‌های

دشت بسیار افزایش یافته است»؟!

۳- اسْتَشَارَهُ: با وی هم‌اندیشی کرد.

۴- تَعَدَّيْتُ عَلَى نِظَامِ الطَّبِيعَةِ تَعْدِي الظَّالِمِينَ: مانند ستمگران به طبیعت دست‌درازی کردی.

۵- سَتُشَاهِدُ مُشَاهَدَةً مُؤْلِمَةً: به گونه‌ای دردناک خواهی دید.

این پاورقی در چاپ ۱۴۰۲ وجود نداشته است.

- ۱- اِجْعَلِ الْيَوْمَ سَعِيداً وَ كَثِيرَ الْبَرَكَاتِ: امروز را فرخنده و پُر برکت بگردان.
- ۲- وَ اَمْلَأِ الدُّنْيَا سَلاماً شامِلاً كُلَّ الْجِهَاتِ: و جهان را از صلحی فراگیر از هر سوی پُر کن.
- ۳- وَ اَحْمِنِي وَ اَحْمِ بِلَادِي مِنْ شُرُورِ الْحَادِثَاتِ: و از من و کشورم از پیشامدهای بد نگهداری کن.